



رهبری برای ترویج
فرهنگ برابری
در زمانه آشوب و آرامش

بیانیهٔ جامعهٔ جهانی بهائی خطاب به
شصت و پنجمین اجلاس کمیسیون مقام زن

بیانیهٔ جامعهٔ جهانی بهائی خطاب به
شصت و پنجمین اجلاس کمیسیون مقام زن

رهبری برای ترویج فرهنگ برابری در زمانهٔ آشوب و آرامش

در شرایطی که جهان دستخوش تغییرات عمیقی است، آگاهی از نقش ضروری زنان در رهبری به طور فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. در روزهای نخست همه‌گیری کرونا، کشورهایی که زنان در آن‌ها سهم برجسته‌تری در رهبری اجتماع داشتند، در شاخص‌های کوتاه‌مدتی نظیر سلامت عمومی و امنیت اقتصادی، از ثبات بیشتری برخوردار بودند. در سطح جامعهٔ محلی نیز زنان همچنان نقشی حیاتی دارند و اغلب در مراقبت از بیماران، آموزش کودکان، رسیدگی به نیازمندان و به طور کلی‌تر، حفظ انسجام اجتماعی و اقتصادی پیشگام هستند. هرگز تا این اندازه آشکار نبوده است که نوع بشر تا چه حد از پذیرش و ترویج رهبری زنان در تمامی سطوح اجتماع - از خانواده یا روستا گرفته تا جامعهٔ محلی یا دولت محلی، بنگاه‌های

اقتصادی یا سطح ملی - بهره می‌برد. بهره‌گیری

کامل از این ظرفیت در حل چالش‌های معاصر

دست‌کم نیازمند حرکت در دو مسیر است:

افزایش حضور زنان در جایگاه‌های رهبری

و امور اجتماع، و همچنین بهره‌گیری

گسترده‌تر و منسجم‌تر از ویژگی‌هایی

که زنان معمولاً در فرایندهای حل

مسئله و تصمیم‌گیری به کار می‌گیرند.

هرگز تا این اندازه

آشکار نبوده است که نوع بشر

تا چه حد از پذیرش و ترویج رهبری

زنان در تمامی سطوح اجتماع - از

خانواده یا روستا گرفته تا جامعهٔ

محلی یا دولت محلی، بنگاه‌های

اقتصادی یا سطح ملی -

بهره می‌برد.

هرگونه توجه به مشارکت زنان در عرصه عمومی باید با ارزیابی مجدد مدل‌های رهبری همراه باشد. در لحظات بحرانی و پرمخاطره زندگی بشر، به رهبرانی با ذهن‌های پرورش‌یافته نیاز است که بتوانند هم از قوای علم و هم از اصول اخلاقی بهره بگیرند و در امور گوناگون با طیفی متنوع از افراد باتجربه مشورت نمایند. چنین رهبرانی قادرند میان دیدگاه‌های گوناگون هماهنگی ایجاد کرده و حس اقدام مشترک را تقویت کنند. آنان در برابر وسوسه‌های قدرت مقاومت می‌کنند و از جمله ویژگی‌های برجسته‌شان، درستکاری، امانت‌داری و پابندی تزلزل‌ناپذیر به اقدام مبتنی بر اصول است.

البته این ویژگی‌ها می‌توانند در هر رهبری، فارغ از جنسیت، بروز یابند و سیاست‌های مبتنی بر برابری جنسیتی و فمینیسم نیز، صرف‌نظر از اینکه چه کسی آن‌ها را ترویج می‌کند، می‌توانند نتایج سودمندی

به همراه داشته باشند. با این حال، به تدریج آشکار

می‌شود که افزایش مشارکت زنان در حیات

اجتماع، این ویژگی‌ها را نه فقط به‌عنوان

خصوصیات شخصی رهبران، بلکه به‌عنوان

بخشی از فرهنگ رهبری تقویت می‌کند.

برای مثال، ویژگی‌هایی مانند جسارت،

قاطعیت و رقابت‌جویی—که معمولاً با

مردانگی مرتبط دانسته می‌شوند—اگر با

خصوصیاتی همچون شفقت، تواضع و

تمایل به همکاری و شمول‌پذیری، که به‌طور

سنتی زنانه تلقی می‌شوند، تعدیل نگردند، اغلب

نتایج محدود یا حتی معکوس خواهند داشت.

تأثیرگذارترین رهبران محیطی فراهم می‌کنند که در آن،

تأثیرگذارترین

رهبران محیطی فراهم می‌کنند

که در آن، افراد و جوامع می‌توانند

بر تفاوت‌های فکری خود غلبه کنند،

در پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین

موقعیت‌ها نقاطی برای اجماع بیابند

و سپس با صبر و تدبیر بر این نقاط

مشترک تکیه نمایند.

افراد و جوامع می‌توانند بر تفاوت‌های فکری خود غلبه کنند، در پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین موقعیت‌ها نقاطی برای اجماع بیابند و سپس با صبر و تدبیر بر این نقاط مشترک تکیه نمایند. این رهبران در تمام این مراحل معیار عدالت را رعایت می‌کنند. دیدگاه‌ها و تجربیات خاص زنان—از جمله گرایش عمومی آنان به اولویت دادن به رفاه کودکان و خانواده‌ها و نیز توجه به تأثیرات انسانی گسترده‌تر سیاست‌ها—آنان را قادر می‌سازد تا در شکل‌گیری این گونه اخلاق رهبری نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند.

پیشرفت در جنبه‌های مشهودتر رهبری، همچون حضور زنان در جایگاه‌های عالی‌رتبه دولتی، دانشگاهی یا کسب‌وکار و همچنین دیگر فضاهای تصمیم‌گیری مانند خانواده یا جامعه محلی، باید با پیشرفت‌هایی متناسب در سطح فرهنگ همراه شود. برای دستیابی به تحولی پایدار، لازم است کل اجتماع خود را وقف برابری جنسیتی کند و متعهد شود که عرصه عمومی را در تمامی سطوح اجتماع و همه جنبه‌های زندگی، با مشارکت پویا و برابر زنان و مردان شکل دهد. از این رو، تلاش برای پیشبرد برابری جنسیتی باید هم در بستر محلی و هم در سطح بین‌المللی پیگیری شود. سازماندهی فرایندهای تصمیم‌گیری با هدف دستیابی به درک جمعی، بهره‌گیری از دیدگاه‌های متنوع برای رسیدن به بینش‌های تازه درباره مسائل پیچیده، و اتخاذ اقداماتی که مشارکت فعال‌تر ذی‌نفعان گوناگون را در عرصه عمومی تسهیل کند، از جمله رویکردها و ارزش‌هایی هستند که ترویج آن‌ها در سطح محله‌ها و روستاهای

برای دستیابی به تحولی پایدار، لازم است کل اجتماع خود را وقف برابری جنسیتی کند و متعهد شود که عرصه عمومی را در تمامی سطوح اجتماع و همه جنبه‌های زندگی، با مشارکت پویا و برابر زنان و مردان شکل دهد.

فضایی را ایجاد می‌کنند که در آن می‌توان موانع رسمی و نهادی، همچون قوانین تبعیض‌آمیز و دسترسی نابرابر به آموزش را از میان برداشت.

نکته مهم دیگر اینکه فرایند ایجاد الگوهای زندگی مبتنی

بر برابری جنسیتی در سطح جامعه محلی، خود

به‌تنهایی فرصت‌هایی برای زنان فراهم می‌آورد

تا توانایی‌ها و تجارب رهبری‌شان را توسعه

دهند، در نهادهای تصمیم‌گیری مشارکت

کنند و نقش فعال‌تر و آشکارتری در عرصه

عمومی ایفا نمایند. تلاش برای بازنگری

نظام‌ها و ساختارها بر اساس ویژگی‌های

ضروری مرتبط با زنانگی، به‌ویژه در سطح

محلی، فرصت‌هایی برای زنان و مردان

به‌طور یکسان فراهم می‌کند تا بیاموزند

چگونه بر موانع موجود بر سر راه مشارکت

زنان غلبه کنند. از جمله این موانع می‌توان به جو

ارباب در محیط‌های غالباً مردانه یا هنجارهایی اشاره

کرد که مشارکت زنان را تنها در محدوده خانه تعریف می‌کنند؛ موانعی که

نهایتاً حکمروایی خوب و صلح پایدار را نیز مختل می‌سازند. تأثیر این موضوع

بر مردان و پسران نیز می‌تواند به همین اندازه چشمگیر باشد. فراهم کردن

فرصت‌هایی حتی از نخستین سال‌های کودکی که در آن پسران بتوانند

دختران را همتای خود و زنان را در جایگاه رهبر ببینند، به ایجاد فرهنگ همکاری

کمک می‌کند و بنیان‌های لازم برای یادگیری مستمر و روبه‌رشد برابری را فراهم

می‌آورد. افزون بر تلاش‌های آگاهانه برای غلبه بر این موانع، افزایش مشارکت

زنان مستلزم این آگاهی است که جلوگیری از حضور آنان در همه سطوح

افزایش

مشارکت زنان مستلزم این

آگاهی است که جلوگیری از حضور

آنان در همه سطوح اجتماع، نوع

بشر را از ظرفیت‌های بالقوه تنوع

دیدگاه‌ها در تصمیم‌گیری محروم

می‌کند.

اجتماع، نوع بشر را از ظرفیت‌های بالقوهٔ تنوع دیدگاه‌ها در تصمیم‌گیری محروم می‌کند.

ایجاد روابط عادلانه در تمامی سطوح اجتماع می‌تواند به اشکال گوناگونی صورت پذیرد و طیف وسیعی از افراد را درگیر کند. در این میان، مشارکت کامل زنان در همهٔ این عرصه‌ها، بدون شک نقشی ضروری در شکل‌گیری الگوهای برابر زندگی خواهد داشت. جامعهٔ بهائی در سراسر جهان نیز به سهم خود در حال بررسی این موضوع است که چگونه به‌کارگیری اصول معنوی در زندگی اجتماعی می‌تواند به رفع تعصبات جنسیتی کمک کند. مفهوم محوری در این زمینه «توامندسازی» است؛ یعنی افزایش توانایی زنان و مردان، دختران و پسران برای ترویج و به‌کارگیری اصل برابری جنسیتی در تمامی شرایط و موقعیت‌ها، تا رفاه و بهروزی همگان تحقق یابد. کودکان از همان سنین اولیه، با شرکت در برنامه‌های آموزشی‌ای پرورش می‌یابند که هدفشان رفع موانع ناشی از تعصب، از طریق تقویت نگرش‌های مبتنی بر وحدت و همدلی است؛ این برنامه‌ها آنان را قادر می‌سازد تا در خدمت به اجتماعشان، شانه‌به‌شانهٔ افراد گوناگون گام بردارند. همچنین، گردهمایی‌های ساده‌ای که همسایگان برای دعا و گفت‌وگو دربارهٔ مفاهیم دینی تشکیل می‌دهند و معمولاً در خانه‌های شرکت‌کنندگان برگزار می‌شود، به فضایی برای کنار گذاشتن محدودیت‌های دیرینهٔ جنسیتی تبدیل شده است. برای مثال، مدیر یک مدرسهٔ ابتدایی در روستایی در هند اشاره می‌کند که این جلسات دعا از معدود فعالیت‌هایی است که در آن، جامعهٔ محلی حضور زنان در خارج از خانه را می‌پذیرد؛ به همین دلیل، نظام دیرینه‌ای که زنان را ملزم به انزوای خانه‌نشینی می‌کرد، به تدریج در حال از میان رفتن است. او می‌گوید: «این نظام فرهنگی از آموزش کودکان مهم‌تر نیست، از امکان خروج زنان از خانه مهم‌تر نیست، و از توانایی ما برای مشورت با یکدیگر نیز مهم‌تر نیست. اکنون نحوهٔ مشورت

ما با یکدیگر، نحوه ارتباط ما با دیگران و نحوه حل مشکلاتمان از طریق همکاری، به جنبه‌ای مهم از زندگی ما تبدیل شده است.»

در طول تاریخ، اغلب در بستر جنگ، انقلاب و فروپاشی بوده که فضاهای از نظر سنتی مردانه به روی زنان گشوده شده است. درست است که در زمان‌های بحران، از دشواری‌های محلی گرفته تا فجایع ملی، زنان بارها توانمندی و تاب‌آوری خود را نشان داده‌اند؛ اما متأسفانه به محض آنکه

نشانه‌هایی از بازگشت آرامش و صلح پدیدار

شده، نیروهای حاکم بر اجتماع، زنان را دوباره به

محدوده خانه بازگردانده‌اند. این الگویی است که باید بر آن غلبه

کرد. هیچ توجیه منطقی و عقلانی، تحت هیچ شرایطی، برای چشم‌پوشی

از منافع بی‌شماری که مشارکت زنان در سامان‌دهی امور اجتماع به همراه

دارد، وجود ندارد. بنابراین، پرسش اساسی پیش روی این کمیسیون و نظام

بین‌المللی در کلیت آن این است که چگونه می‌توان توانمندی‌های زنان را هم

در دوران آرامش و هم در دوران بحران، هم در زندگی روزمره و هم در شرایط

استثنایی، به رسمیت شناخت و به کار گرفت.

شاید تاکنون هیچ‌گاه پیوندهای میان مردمان جهان تا این حد آشکار نبوده

باشد. درک این وابستگی متقابل باید با عزمی جدی همراه شود تا بتوان از

همه ظرفیت‌های نوع بشر، در تمامیت و تنوع فراوان آن، بهره گرفت. هیچ

تلاش جدی برای برداشتن گام‌های بعدی در مسیر توسعه بشری نمی‌تواند

پرسش اساسی پیش
روی این کمیسیون و نظام
بین‌المللی در کلیت آن این است که
چگونه می‌توان توانمندی‌های زنان را
هم در دوران آرامش و هم در دوران
بحران، هم در زندگی روزمره و هم
در شرایط استثنایی، به رسمیت
شناخت و به کار گرفت.

ضرورت گسترش مشارکت کامل و مؤثر زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و زندگی عمومی را نادیده بگیرد. جوامع و اجتماعات تنها زمانی به طیف کامل ابزارهای لازم برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی بشریت دست خواهند یافت که این قابلیت‌ها مجال بروز کامل پیدا کنند.



Bahá'í International Community

Copyright © 2024 Bahá'í International Community

866 United Nations Plaza, Suite 120
New York, NY 10017, USA
www.bic.org

طراحی کاو: میشل استوار